

# الله‌وردی خان کیست؟

## نحوه ورود الله‌وردی خان به سیاست

جمشید سمیع پور  
دبیر تاریخ، ایچ. استهبان

بودند، عناصر چرکس و گرجی را به‌ویژه در امور انتظامی و لشکری وارد صحنه کرد. گرجی‌ها در ابتدا معمولاً به‌صورت غلام در دربار سلاطین صفویه وارد می‌شدند، اما از آنجا که استعداد ویژه‌ای در امور نظامی داشتند، معمولاً خیلی سریع در این زمینه پیشرفت می‌کردند و به مقامات عالی نظامی و کشوری می‌رسیدند. **الله‌وردی خان** یکی از همین گرجیان بود که در جوانی به‌صورت غلامی به سی سکه طلا به‌فروش رسیده بود (دلاواله، ۱۳۴۸: ۳۳۱) وی پس از آنکه چندین بار از اربابی به ارباب دیگر فروخته شد بالاخره توسط **شاه طهماسب** خریداری گردید و به جرگه غلامان این پادشاه پیوست و مسلمان شد (فلسفی، ۱۳۷۵: ۴۲۹). **الله‌وردی خان** چون جوانی صدیق، فداکار و عاقل بود از طرف شاه عباس به منصب «قوللر آغاسی» یعنی ریاست و سرداری غلامان شاهی منصوب شد. سپس، ضمن گرفتن لقب خانی، برای اولین بار از سوی شاه عباس به حکومت جربادقان (گلیپانگان) منصوب شد (هدایت، ۱۳۳۹: ۲۵۲) در ادامه، در سال ۱۰۰۴ ه.ق/۱۵۹۵م به فرمان شاه عباس به امیرالامرای ولایت تروتمند و با اهمیت فارس گمارده شد (ترکمان، ۱۳۵۰: ج ۱: ۵۱۵) و یک سال بعد نیز کهگیلویه به قلمرو حکمرانی وی افزوده شد.

**کلیدواژه‌ها:** الله‌وردی خان، گرجی‌ها، شاه عباس

### مقدمه

طی قرون متمادی، مردم قفقاز، از جمله گرجی‌ها، عامل مهمی در حیات کشوری و لشکری ایران محسوب می‌شده‌اند. گرجی‌ها، مخصوصاً در امور نظامی و سپاهیگری، همواره مردمانی موفق و مؤثر بوده‌اند، چنان‌که **خواجه نظام‌الملک** در کتاب سیاست‌نامه در مورد لشکر و سپاه این‌طور توصیه می‌کند که لشکر نبایستی از یک گروه و جنس باشد، بلکه بایستی از نژادهای مختلف و متنوع باشد تا باعث شورش و خطری نشود و اگر از این لشکر برخی از گرجیان و شبانکاران پارس باشند شایسته و مناسب است زیرا اینان از مردان نیک هستند. (طوسی، ۱۳۷۵: ۱۲۲)

در دوره‌های مختلف تاریخ ایران بسیاری از گرجیان به مقامات عالی‌رتبه دولتی و فرهنگی و نظامی ایران نائل شده‌اند. در عصر صفویه، به‌ویژه در پادشاهی **شاه عباس اول**، از آنجا که نزاع و کشمکش بین دو عنصر ترک (قزلباش) و تاجیک (ایرانی) و نیز سرکشی و خودسری سران قبایل قزلباش موجب پربشانی اوضاع کشور شده بود، شاه عباس درصدد استفاده از اقوام قفقاز یعنی ارمنی‌ها، چرکس‌ها و گرجی‌ها در اداره امور لشکری و کشوری برآمد. این پادشاه برای خنثی کردن و مهار نمودن سرداران مقتدر، خودسر و گردن‌کش قزلباش که باعث سستی حکومت مرکزی و تجزیه کشور شده



## سابقه سیاسی خاندان اللهوردی خان

در بررسی سابقه سیاسی خاندان اللهوردی خان، می‌بایست به سیاست‌های شاه طهماسب اول، و به‌ویژه شاه عباس اول، در وارد کردن نیروی سوم به دستگاه صفویان اشاره کرد. همچنان که گذشت درگیری و تنش بین دو گروه ترک و ایرانی، و به‌ویژه سرکشی‌ها و شورش‌های ترکان قزلباش، که از زمان شاه اسماعیل مرسوم شده بود، لزوم تعدیل قدرت آنان را ضروری می‌ساخت. این تعدیل به صورت وارد کردن نیروی سوم از زمان شاه طهماسب آغاز گردید؛ بدین ترتیب که شاه طهماسب طی چهار لشکرکشی که بین سال‌های (۹۶۰-۹۴۶ ه. ق/ ۱۵۵۲-۱۵۳۹ م) به منطقه قفقاز انجام داد، (همان: ۸۴، روملو: ۴۸۸) اسپران گرجی، چرکس و ارمنی زیادی را از آنجا به ایران آورد. ورود این گروه‌ها تأثیرات بسیار زیادی را بر نهادهای نظامی و سیاسی کشور گذاشت. (سیوری، ۱۳۷۴: ۶۲) بدین معنا که مجموعه این گروه‌ها، در واقع به صورت نیروی سومی در جهت تعدیل و ایجاد توازن در بین دو گروه قبلی یعنی عنصر ایرانی و ترک عمل می‌کردند. ورود این نیروی سوم، به خصوص زنان گرجی و چرکس به حرم شاهی، تهدید جدی برای دو گروه قبلی بود. البته سرکشی‌های قزلباشان و بروز اختلافات بین آنان، از جمله میان شاملوها و تکلوها از یک طرف و بیات و افشار با استاجلوها از طرف دیگر، از همان اوایل پادشاهی شاه طهماسب بروز کرد و حتی در موردی، بر اثر درگیری بین آنان در داخل دولتخانه، موجب اصابت دو تیر به تاج پادشاه شد (روملو، ۱۳۵۷: ۳۰۹) که همین امر در تلاش‌های شاه طهماسب برای کاهش قدرت آنان بی‌تأثیر نبود. شدت گرفتن این اختلافات پس از مرگ شاه طهماسب، به‌ویژه در مورد موضوع انتخاب جانشین، که موجب گسیختگی امور نظامی، اقتصادی و اجتماعی و در نهایت ضعف دولت صفوی می‌گردید شاه عباس را بر آن داشت تا به این خشونت‌ها و سرکشی‌ها پایان دهد. وی که خودش توسط یکی از حکام یاغی قزلباش به تخت سلطنت رسیده بود پس از تثبیت قدرت خویش سعی کرد با ایجاد نیروی جدیدی از غلامان، از سرکشی‌ها و خودرایی‌های قزلباشان بکاهد. شاید یکی از دلایل این اقدام شاه عباس (سرکوبی قزلباشان) علاوه بر جلوگیری از سرکشی آنان، بدین خاطر بود که قزلباشان با شیوه پادشاهی خشن و مستبدانه وی مخالفت می‌ورزیدند. آن‌ها در واقع خود را شریک در قدرت و حکومت می‌دانستند و حاضر نبودند در برابر تمام تصمیمات و خواسته‌های

شاه عباس تسلیم شوند. (شاردن، ۱۳۵۴: ۲۰۹)

بدین ترتیب شاه عباس اندکی پس از رسیدن به سلطنت، ضمن سرکوبی گروه یاغی قزلباش به بهانه انتقام خون مادر و برادرش و با کشتن **مرشد قلی خان** (قمی، ۱۳۵۹: ۵-۸۷۲؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۴۰۰-۳۹۹) یعنی همان کسی که وی را به تخت سلطنت رسانده بود، نیروی جدیدی را به نام «نیروی غلامان سلطنتی» به وجود آورد. (رهربرن، ۱۳۵۷: ۴۸) برخی از این «غلامان» از طرف امرای مطیع گرجستان و داغستان و یا حکام محلی ولایات قفقاز به‌عنوان هدیه برای شاه فرستاده می‌شدند و از همان آغاز در دربار و یا در خدمت اعیان و اشراف و سران لشکر قرار می‌گرفتند و پس از آموزش دیدن و تربیت شدن مسلمان می‌شدند. در نتیجه فرزندان آنان نیز به‌عنوان غلامان شاه در



۱۳۴۵، ج ۸: ۳۴۸

## نحوه ورود اللهوردی خان به دنیای سیاست

در راستای سیاست شاه عباس مبنی بر کاهش قدرت قزلباشان و استفاده از نیروی سوم، طی مدت کوتاهی، گرجیان، ارمنی‌ها و چرکس‌ها به بالاترین مقامات کشوری منصوب شدند. **مینورسکی** برآورد کرده است که در پایان سلطنت شاه عباس گروه‌های مذکور یک پنجم مناصب بالای اجرایی را اشغال کرده بودند. در بعضی موارد این نودولتان جامعه صفوی، سعی در تأسیس سلسله‌های خانوادگی خود داشتند که نمونه بارز آن اللهوردی خان مشهور است.

تاسال ۴-۱۰۰۳ هـ ق/ ۱۵۹۵ م، اللهوردی خان گرجی یکی از قدرتمندترین افراد کشور صفویه شده بود. او نه تنها تصدی مقام قوللر آقاسی یا فرمانده هنگ‌های غلامان، (یکی از پنج مقام عمده کشور) را عهده‌دار بود بلکه حکمران ولایت ثروتمند فارس نیز بود. یعنی سال ۱۰۰۴ هـ ق تا ۱۰۲۲ هـ ق این انتصاب نشان‌دهنده تغییر عمده در سیاست شاه عباس بود. قبل از آن کلیه ولایات عمده به دست امرای قزلباش اداره می‌شد. اللهوردی خان به تساوی رتبه با امرای قزلباش دست یافت و اولین نماینده اشرافیت جدید غلامان شد. قدرت او در سال ۱۰۰۶ هـ ق/ ۱۵۹۸ م، هنگامی که به فرماندهی کل نیروهای مسلح انتخاب شد به اوج خود رسید. می‌توان دستیابی او را به چنان مرتبه و در مدت کوتاه تنها یک صعود برق‌آسا نامید (سیوری، ۱۳۷۴: ۷۰) وی به‌عنوان سرداری با تدبیر در نبردهای متعددی که شاه‌عباس با ازبکان و عثمانی‌ها (در شرق و غرب کشور) و نیز با استعمارگران پرتغالی داشت، از خود گذشتگی‌های بسیاری نشان داد، چنان که در سال ۱۰۱۰ هـ ق/ ۱۶۰۱ م به کمک پسرش امام‌قلی بیگ بخش‌هایی از سواحل و جزایر خلیج فارس من جمله بحرین را از پرتغالی‌ها باز پس گرفت (اقبال، ۱۳۲۷: ۲۹)

شاه عباس، اللهوردی خان را از همه سرداران بزرگ ایران عزیزتر و محترم‌تر می‌داشت و چون این سردار پیر بود همیشه او را پدر خطاب می‌کرد. هیچ یک از سرداران با او در مقام و مرتب برابر نمی‌کرد. اللهوردی خان با سی هزار سوار مجهز و جنگ‌آزموده‌ای که در اختیار داشت بر تمام ولایات جنوبی ایران

خدمت دربار صفوی به کار گرفته می‌شدند (فلسفی، ۱۳۵۷: ۲۲۹) از همین قشر بود که شاه عباس یک ارتش دائمی و مجهز به سلاح‌های آتشین تهیه کرد و با تبدیل املاک متصرفی به املاک خالصه حقوق آنان را معین نمود. این غلامان از قدرت و نیروی بسیاری برخوردار بودند. **شاردن**، سیاح فرانسوی، قدرت این غلامان را به اندازه نجبا و اشراف دربار فرانسه می‌داند و در مورد حقوق آن‌ها می‌نویسد: «مستمری سالیانه هر یک از این گروه بیست تومان است و البته غذا و خوراک به عهده دربار می‌باشد.» (شاردن، ۱۳۵۴، ج ۲: ۳۱۵)

ویژگی مهم این غلامان این بود که برعکس قزلباشان، به هیچ‌کس به جز شاه وفاداری نداشتند و کوچک‌ترین نشانی از تمرد و سرکشی از آنان مشاهده نمی‌شد. همه آن‌ها بنده‌زاده بودند و در دستگاه حکومت صفوی به‌عنوان عناصری بیگانه محسوب می‌شدند. آنان چه در داخل کشور و چه در میان خودشان هیچ‌گونه پیوند خویشاوندی و وابستگی نداشتند و حتی غالب آنان از اصل و نسب خودشان هم اطلاع درستی نداشتند، بنابراین هیچ‌گاه هوس طغیان علیه ولی‌نعمت خود به ذهن راه نمی‌دادند، خواه برای نجات جان خودشان و یا برای رسیدن به تخت پادشاهی. (همان، ۱۵۲: ۸)

شاه عباس علاوه بر تشکیل یک ارتش دائمی از آنان، بسیاری از مقامات عالی و مهم کشور را براساس لیاقت و شایستگی آن‌ها و بدون توجه به پایگاه خانوادگی و قبیله‌ای‌شان، به آنان واگذار کرد و بدین ترتیب اشرافیت گذشته را که در رأس کلیه امور قرار گرفته بود (ترک و تاجیک) از میان برداشت. از مهم‌ترین این غلامان می‌توان **اللهوردی خان** و پسرش **امام‌قلی خان** را نام برد (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۲۵) اللهوردی خان آن چنان در دستگاه شاه عباس قدرتمند شده بود که نه تنها مقام قوللر آقاسی (فرمانده هنگ‌های غلامان) را برعهده داشت بلکه به سبب اصابت رأی و حسن تدبیر و شجاعت و دلاوری (ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۲: ۶۹۶) به مقام زرگرباشی یعنی نظارت بر جواهرات و سیم و زر که به مملکت وارد و یا از آن خارج می‌شد نیز دست یافت. (اقبال، ۱۳۲۶: ۲۹-۲۷؛ شاردن،

در راستای سیاست شاه عباس مبنی بر کاهش قدرت قزلباشان و استفاده از نیروی سوم، طی مدت کوتاهی، گرجیان، ارمنی‌ها و چرکس‌ها به بالاترین مقامات کشوری منصوب شدند. در پایان سلطنت شاه عباس گروه‌های مذکور یک پنجم مناصب بالای اجرایی را اشغال کرده بودند



و سواحل خلیج فارس حکم می‌راند. شاه عباس در جنگ‌های بزرگی که با دولت عثمانی می‌کرد، بیشتر به نیروی نظامی او متکی می‌شد. (فلسفی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۳۰)

الله‌وردی خان با وجود چنین اختیارات وسیعی هرگز از فرمان ولی‌نعمت خود سرپیچی نکرد، اصولاً این‌گونه حکام و خان‌ها اگرچه از طرف شاه به حکومت مطلق یک منطقه و یا ناحیه منصوب می‌شدند و تقریباً از استقلال نسبی برخوردار بودند ولی همواره وظیفه داشتند که مطیع شاه باشند و حتی مجبور بودند که در مواقع و ایام ویژه، من جمله عید نوروز، برای شاه پیشکش بفرستند (تاورنیه بی تا: ۵۸۸) یا با اولین پیغام شاه وظیفه داشتند با تمام سپاه منطقه تحت حکومت خویش، به نقاطی که شاه امر کرده و یا در نبردهایی که شاه از آن‌ها دعوت می‌کرد، شرکت کنند و انجام این وظایف و اوامر شاه برای آنان لازم‌الاجرا بود.

#### منابع

۱. ترکمان، اسکندربیک. **عالم آرای عباسی**، چاپ دوم، ۳ جلد، تهران: انتشارات مؤسسه امیرکبیر با شرکت کتابفروشی تأیید اصفهان، ۱۳۵۰.
۲. خواندمیر، غیاث‌الدین بن هماد الدین. **حیب‌السیرفی اخبار افراد البشر**، جلد ۴، تهران: بی تا، ۱۳۳۴.
۳. روملو، حسن‌بیک. **احسن التواریخ**، تصحیح عبدالحمین نوایی، تهران: انتشارات بابک، ۱۳۵۷.

۴. رهبرین، کلاویوس میثائیل. **نظام ایالات در دوره صفویه**، ترجمه کیسکوس جهاننداری، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۷.

۵. سیوری، راجر. **ایران عصر صفوی**، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات نشر مرکز، ۱۳۷۴.

۶. طوسی، خواجه نظام‌الملک. **سیاست‌نامه**، به کوشش جعفر شعار، چاپ هشتم، تهران: انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های حبیبی، ۱۳۵۷.

۷. فلسفی، نصراله. **زندگانی شاه عباس اول**، چاپ ششم، پنج جلد، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.

۸. قمی، قاضی احمد. **خلاصه التواریخ**، به تصحیح احسان اشراقی، دو جلد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.

۹. مینورسکی، **سازمان اداری حکومت صفوی** یا تعلیقات مینورسکی بر تذکرة الملوک، ترجمه مسعود رجب‌نیا، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.

۱۰. هدایت، رضا قلی خان. **روضه‌الصفای ناصری**، جلد هشتم، بی تا، انتشارات کتابفروشی‌های مرکزی خیام و پیروز، ۱۳۳۹.

۱۱. اقبال، عباس. «قسمتی از ماجرای خلیج فارس»، **یادگار**، شماره سوم و چهارم، سال سوم و چهارم، ۲۷-۱۳۲۶.

۱۲. تاورنیه، ژان باتیست. **سفرنامه تاورنیه**، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدید نظر کلی و تصحیح حمید شیروانی، اصفهان: انتشارات کتابخانه سنایی و کتابفروشی تأیید، بی تا.

۱۳. دلاواله، پیترو. **سفرنامه پیترو دلاواله**، ترجمه و شرح و حواشی شعاع‌الدین شفا، تهران: انتشارات ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.

۱۴. شاردن، ژان. **سیاحت‌نامه شاردن**، ترجمه محمد عباسی، جلد ۲، ۳، ۵ و ۸، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۵.

15. Her bert, sir Thomas, **Travels in persia 1628-29**, London, 1928

↓ پل الله وردی خان یا سی و سه پل  
اصفهان

